

## سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور

علی اکبر سرفراز\*

محمود تیموری\*\*

### چکیده

شهر باستانی بیشاپور دومین پایتخت ساسانی است که توسط شاپور برپا گردید. این مقاله به دنبال توصیف روشن و معرفی ویژگیهای سازمان فضایی این شهر تاریخی بصورت مستند و بر اساس یافته های ملموس کاوش های باستان شناسی است. چهره اصلی شهر بیشاپور که در این مقاله به توصیف آن پرداخته شده در کاوش های باستان شناسی انجام شده طی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ بدست آمده است. طی این کاوش ها ارگ حکومتی شامل کاخ و معبد آناهیتا و حصار شهر بعلاوه قسمتی از برج و باروی آن مورد کاوش قرار گرفت و برخی از ابنیه آن نیز حفاظت و مرمت گردید. بیشاپور به علت سرگذشت ویژه تاریخی آن و عدم تغییر و تحولات بر روی ساخت تاریخی، در دوره اسلامی، تقریباً دچار تغییر اساسی نشده و از جمله معدود شهرهای تاریخی ایران است که سازمان فضایی آن قابل تشخیص است.

در این نوشته ابتدا مفهوم شهر در فرهنگ ایران باستان به اجمال مورد بررسی قرار گرفته و پس از شناخت گذرای وضعیت فرهنگی مذهبی و سیاسی ساخت شهر توسط شاپور کلیت سازمان فضایی شهر بر اساس یافته ها و گزارش باستان شناسی معرفی می گردد.

### واژه های کلیدی:

بیشاپور، مفهوم شهر، شهر باستانی، شهر ساسانی، سازمان فضایی شهر، شاپور، معبد آناهیتا.

\* استاد باستان شناسی، دانشگاه تهران. Sarfaraz@nazar.ws

\*\* کارشناس ارشد معماری. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات نظر Teimouri@nazar.ws

## مقدمه

### مفهوم شهر در فرهنگ باستانی ایران

پیش از وصف بیشاپور بعنوان یک شهر تاریخی باستانی ایران زمین، به نظر می رسد توضیح و اشاره ای گذرا بر مفهوم شهر در ایران باستان لازم و ضروری باشد. آیا شهر ایران باستان نیز همچون شهرهای یونان و روم باستان مترادف با ساکنان شهری بی شمار و ساختمانهای عظیم معماری پر شکوه، خانه های مسکونی فراوان محصور شده در برج و بارویی مستحکم و تودرتو است؟ آیا شهر مکان تبلور فرهنگ و اندیشه جمعی انسانها بعنوان یک جامعه است؟ آیا می توان گفت مفهوم شهر در ایران باستان نه به یک موجودی دارای تعیین کالبدی بلکه به یک قلمرو حکومتی قومی که تحت حکومت یک شهربان بوده اطلاق می شده است و اسامی شهرهای مختلف باستانی ایران زمین، اسامی این قلمرو ها و مشابه استان های حکومتی بوده است؟

نگاهی به فرهنگ واژگان فارسی نشان می دهد که کلمه "شهر" از ریشه "خشتهر" از مصدر خشی کردن درآمده که به معنی شاهی کردن و فرمان راندن، توانستن و یارستن است. از سوی دیگر کلمه شهر با "خوره" مترادف و هم معنی است. واژه "خوره" یا (در اصل خره که در پهلوی تبدیل به خوره گردید و در فارسی تبدیل به فر و فره گردیده است) به معنی نور مطلق یا نوری از جانب خداوند است بر خلق که بوسیله آن نور، بعضی خلائق بر بعضی دیگر ریاست کنند و بوسیله آن قادر شوند بر صنعت ها و حرفت ها و از این نور آنچه خاص باشد به پادشاهان بزرگ و معادل فائز گردد [براتی، ۱۳۸۲]. همین کلمه خوره همسان با کلمات شهرستان و شارستان برای نامیدن تقسیمات جغرافیایی - حکومتی نیز بکار می رفته است.

دقت در ارتباط دستوری و مفهومی کلمه شهر با کلماتی نظیر خشی و خوره و نیز انتساب بنیاد شهرهای باستانی به پادشاهان حقیقی و اسطوره ای وجه مهمی از مفهوم شهر ایران باستان را روشن می سازد:

شهر در فرهنگ آرمان گرا و کمال گرای ایران باستان، همواره یک امر و پدیده قدسی و آسمانی تلقی می شده است و در اعتقادات اسطوره ای ایرانیان یک بهشت جاودانی است که احتمالاً کسی قدرت بر پا کردن آنرا نداشته است. شاید این امر که می توان شهر، این امر آسمانی را در روی زمین ساخت بعدها بوجود آمده باشد و به جرأت می توان گفت تنها پادشاه که متصل به بارقه الهی و صاحب فر یا فره کیانی است اجازه دارد و می تواند چنین امری را محقق کند. شهر شاید ابزار حکومت خداوند بر روی زمین بواسطه و از طریق شاه است و میتوان چنین نتیجه گرفت که در این صورت شهر که به خداوند و نماینده او بر روی زمین تعلق دارد به ساکنان آن متعلق نیست [براتی، ۱۳۸۲: ۱۴].

با تلقی این مفهوم مقدس از شهر عرصه کالبدی تعریف شده توسط شهر نیز مقدس می شده که در مقابل مفهوم بیابانگردی و فرهنگ بدوی کوچ روی قرار داشته است و به همین دلیل صرفاً محل سکونت افراد و طبقات مقدس اجتماع بوده است. شهر در این تعریف به مجموعه عظیم کالبدی می ماند که به دستور شاه و برای سکونت خاندان شاهی و طبقات وابسته و برگزیده او همچون دبیران و سپاهیان ارشد ساخته می شد و به نوعی نمایش و نماد قدرت و فره ایزدی شاهنشاه وسیله به رخ کشیدن قدرت و عظمت حکومت اوست. شهر تنها منعکس کننده ذهنیت و سلايق شاه بانی آن می بوده است نه یک مفهوم جمعی که حاصل از تعامل طبقات مختلف مردم و انعکاس فرهنگ جمعی انسان در تأثر با محیط و بوم پیرامون خود شکل بگیرد.

### زمینه فرهنگی اجتماعی شکل گیری بیشاپور

اردشیر، با استفاده از ضعف دولت پارتی در اثر جنگ های دائمی با روم و اختلافات محلی و نزاع شاهزادگان اشکانی، علم مخالفت بر افراشت و به عنوان اینکه سلطنت حق قوم پارسی است نه پارتیان، موفق شد که طرفداران ضد یونانی و ضد اشکانی را به دور خود جمع کند و با برپا داشتن قصور شاهی در منطقه چون قلعه دختر و شهر اردشیر خوره طغیان و عصیان خود را نشان دهد و سرانجام در سال ۲۲۴ میلادی نائل شود در مرکز فیروزآباد منار بزرگ و بلند آتشدان مزدیسنا را مشتعل نماید [سرفراز، ۱۳۸۲ : ۲۴۴].

اگر برای تحولات سیاسی و فرهنگی و نظامی دوره ساسانی با دوره پیش از آن حدی و مرزی قائل بتوان شد بدون شک آثار و شواهد این دگرگونی را در اوائل ساسانیان باید در این مکان و در این شهر جستجو نمود، زیرا قبل از شهرسازی بیشاپور تحولی که نقطه عطفی بر تغییرات بنیادی و اساسی در امور رایج زمان اشکانیان باشد نه تنها در امر شهر نشینی و شهرسازی بلکه در سایر شئون فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آنان آنطوریکه باید و شاید به چشم نمی خورد.

عمده تحول و نهضت فرهنگی را که در این زمان نباید از آن غافل بود حفظ و احیاء سنت های ملی و مذهبی قوم پارس نژاد هخامنشی است که از دیر باز در آن سرزمین ریشه داشته و سران ساسانی برای رسیدن به قدرت و جلب توجه و حمایت مردم پارس، رونق و اعتلای آن سنت ها را به مردم وعده داده بودند. از آن جمله اتکاء بر بنیاد کیش و آئین مزدیسنا در دنباله ایدئولوژی مذهبی هخامنشیان است که از مظاهر آن نیایش آتش در فضای باز بود. ایجاد منار فیروزآباد و اشتعال آتش مقدس در بالای آن، یادآور آتشدانهای نقش رستم فارس در زمان هخامنشیان است که هرودوت هم به آنها اشاره کرده و نوشته است که پارسیان مراسم مذهبی خود را در جاهای بلندی و فضای باز انجام می دهند.

در همین راستا استراتژی مذهبی پادشاهان اولیه ساسانی بگونه ای انتخاب شده بود که سیاست دودمان ساسانی از یک سو بر خواسته های قوم پارس نژاد یعنی توجه و گرایش به آئین دین مزدیسنا قوم پارسوای هخامنشی و از طرف دیگر بر اساس ایجاد و حفظ وحدت سایر اقوام ایرانی، بر پایه آزادی سایر مذاهب استوار شده بود. بدین علت است که آنها هر چند با روحانیون زرتشتی هم پیمان شده بودند، اما آثار و مدارک باقیمانده از آنها گویای احترام و تقدس مزدیسنا و حضور قدرتمند ایزدان مهر و آناهیتا باشد. ضمن آنکه از ادیان نو ظهوری چون مانویت نیز که در آستانه گسترش بین المللی بودند نیز حمایت میشد، چنانچه در روز تاجگذاری شاپور مانی کتاب شاپورگان را به شاه ساسانی تقدیم نمود. بدین ترتیب است که شاهان ابتدایی دوره ساسانی یعنی اردشیر، شاپور اول، هرمز اول و بهرام اول و تا زمان بهرام دوم (۲۹۴-۳۷۶م)، علاوه بر مقام حکومتی، ریاست امور مذهبی را نیز خودشان عهده دار بودند. و با سرپرستی معبد آناهیتای استخر و سایر امور مذهبی مزدیسنا، آتشیگاهی که بر طبق شریعت زردشت در مکانی سر بسته باشد نساخته اند و بر روال گذشته پارسیان آتش را در فضای باز نیایش می کردند. این فریضه دینی که موجب استرضای خاطر اهورا مزدا و جلب قلوب مردم می گردید غافل نبوده اند و برای ایزد آناهیتا که فرشته اجداد و نصرت بخش آنان محسوب می شد معبد و نیایشگاه ساختند و مقام آنرا به اهورا مزدایی ارتقا دادند. برقراری ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین کاخ والرین و معبد آناهیتا چنانچه در ارگ حکومتی بیشاپور مشاهده می شود، گواه این مطلب است.

این نظریه با مطالعه نقش برجسته های اردشیر در نقش رجب و نقش پیروزی شاپور بر والرین در نقش رستم و مهم تر از همه، کتیبه غار حاجی آباد مرو دشت از زمان شاپور اول نیز تایید می شود. در زمان شاپور اول همان طوری که در کتیبه غار حاجی آباد مشاهده می شود، نامی از رهبران مذهبی و موبدان که همان "کریترا" باشد نیست، بلکه از زمان بهرام دوم که مذهب زردشت به صورت یک دین و کیش ملی در می آید کریترا، مفسر و مبلغ اوستا قدرت گرفته و همچنان که در نقش سهراب بهرام دیده می شود مرد اول طبقات اجتماعی دوره ساسانی شده است.

### تاریخچه و وجه تسمیه بیشاپور

شهر تاریخی بیشاپور، اولین شهر روزگار باستانست که دارای تاریخ شهرسازی مکتوب است. این تاریخ، سنگ نبشته ایست که با دو خط اشکانی و ساسانی بر روی یکی از دو ساقه ستون بیشاپور که در مرکز شهر واقع شده نقر شده است. در این کتیبه، تاریخ ساخت شهر فروردین ماه سال ۵۸ از آتش اردشیر و سال ۴۰ از آتش شاپور ذکر شده است که مصادف سال ۲۶۶ میلادی است یعنی درست ۶ سال پس از پیروزی شاپور بر والرین در سال ۲۶۰ میلادی. این تاریخ مربوط به پایان شهرسازی بیشاپور می باشد. در این رابطه دکتر عباس زریاب خوبی چنین می نویسد: "در شهر بیشاپور واقع در فارس کتیبه ای از شخصی به نام اپسای دبیر بدست آمده است که در زمان شاپور اول و در کنار مجسمه او نگاشته شده است و متضمن تاریخ کتیبه نیز هست" [سرفراز، ۱۳۸۲ : ۲۶۲]. تاریخ ساخت شهر با سال ۲۶۶ م تطبیق داده شده ولی مجهول و نامعلوم نام خود شهر است که در کتیبه ذکر نشده است.

همان طور که قبلاً ذکر شد، موسس این موسسه اردشیر بابکان پس از کسب قدرت پایتخت را از شهر مذهبی پدران خود استخر، به تیسفون منتقل کرد و در کنار آن شهر جدیدی به نام وه اردشیر ساخت. شاپور (۲۷۲-۲۴۱) پسر اردشیر هم اقدام به ساختن مقر دیگری نمود که به تاسی از پدر خود به آن نام بیشاپور نهاد. اصولاً شاهان ساسانی برای ارضای جاه طلبی خود، نام خود را بر شهرها ایکه سازنده آن بودند می گذاردند. بنابراین وجه تسمیه بیشاپور در ردیف نام شهرها ایست که پادشاهان ساسانی برای شهرهای جالب توجهی که سازنده آنها بوده اند اطلاق می کردند مانند: به اردشیر، به قباد، به خسرو و به شاپور.

کلمه وه یا به به معنای نیک در بسیاری از نام های پهلوی دوره ساسانی دیده می شود. مثل "وه دین" یا به دین که همان دین الهی و روشنی باشد. وه یا به را به معنی خانه و محل زندگی نیز تفسیر کرده اند که اگر چنین باشد بیشاپور را باید سرای شاپور معنی کرد. اما برخی نام بیشاپور را به معنی از جمله کارهای خوب شاپور نوشته اند [سرفراز، ۱۳۸۲ : ۲۴۸].

در کتاب مسالک الممالک اصطخری که منبع موثقی برای تاریخ پارس می باشد و همچنین فارسنامه ابن بلخی راجع به نام بیشاپور با مختصر اختلافی چنین آمده است: « شهر بیشاپور در زمان تهمورث بنا شده است، پیش از جمشید و آن را "دین دولا" گفتندی پس اسکندر آنجا را خراب کرد تا اینکه در زمان شاپور بن اردشیر از نو آنجا را عمارت کرد و بیشاپور نام نهاد و اکنون آن را بشار و بساپور گویند» [سرفراز، ۱۳۶۶ : ۳۷]. ابن بلخی می نویسد: نام اصلی آن بیشاپور است و تخفیف را بی از آن بیفکنده اند و شاپور نویسند. بنابراین نام اصلی بیشاپور تا اواخر قرن پنجم و ششم هجری رائج بوده است.

اما بنظر می رسد که نام این شهر در زمان شاپور "به از اندیو شاپور" یعنی "بهتر از انطاکیه، شهر شاپور" بوده است زیرا در فهرست نام شهرهای زمان شاپور در کتیبه کعبه زردشت نام بیشاپور دیده نمی شود، در عوض نام ساتراپ "وهی انتیوک شاپور" آمده است. بعضی از نویسندگان تصور کرده اند که "به از اندیوشاپور" نام گندی شاپور زمان ساسانی است که در زمان شاپور جایگاه اسرای رومی که به صورت قرارگاهی نه چندان مهم بوده است.

اما بعید به نظر می رسد، در این کتیبه مهم محل استقرار اسرای رومی ذکر شود، اما از شهر سلطنتی و مقر حکومتی شاپور اسمی برده نشود آنهم شهری که در زیبایی سرآمد شهرهای روزگار خود بوده است. و دسته دسته مردم به تماشای آن می آمدند.

ذکر این روایت تاریخی شاید تا حدی ما را در شناخت وجه تسمیه بیشاپور یاری کند، در سالی که انطاکیه، شهر زیبای روم شرقی به تصرف لشکریان ایران درآمد، زیبایی چشم گیر این شهر چنان مورد توجه شاپور قرار گرفته که دستور می دهد مقر سلطنتی او را بهتر از انطاکیه بسازند، تا به از انطاکیه باشد. صفت تفضیلی وه یا به معنی بهتر برای مقایسه بین دو شهر انطاکیه شهر زیبای روم شرقی که از لحاظ وسعت و تمول و جمعیت برترین شهر روم شرقی بوده و در سال ۲۵۱ م توسط شاپور تصرف شد و دیگری شهر شاپور با ایوان های رفیع و مزین بکار برده شده است [سرفراز، ۱۳۸۲ : ۲۴۹].

## موقعیت استقرار

انتخاب محل و موقعیت بیشاپور هم از لحاظ راهبرد نظامی و هم از لحاظ بهره گیری از عوارض طبیعی و جغرافیایی برای برقراری امنیت شهر و تمتع آن از زیبایی های طبیعی، انتخابی هوشمندانه و کاملا حساب شده بوده است. موقعیت استقرار بیشاپور - که هم اکنون حد فاصل بین دو استان فارس و خوزستان قرار گرفته- به صورت چهار راهی در گذرگاه تاریخ حائز اهمیت بوده است. زیرا این شهر در کنار جاده شاهی روزگار باستان که یکی از مهم ترین راه های ارتباطی کشور بوده احداث شده است. راهی که در زمان هخامنشیان تخت جمشید و استخر را به شوش و در عصر ساسانی شهر (جور) فیروزآباد و بیشاپور را به تیسفون وصل می کرد. از بیشاپور راهی هم به کرانه های خلیج فارس امتداد می یافت. اما از این راه فقط به منظور نظامی استفاده نشده، بلکه یکی از طرق تجارتي و ارتباطی بوده که سوداگران بسیاری کالاهای خود را به اقوام دیگر عرضه می داشتند و به همین جهت این جاده و تلاقی چهار راه آن به کرانه های خلیج فارس، خوزستان و پارس ادامه داشت [سرفراز، ۱۳۶۶ : ۴۰].



تصویر ۱. استقرار بیشاپور در دهانه تنگ چوگان و دامنه کوه شاپور  
ماخذ: دکتر سرفراز

استقرار بیشاپور بر دهانه تنگ بیشاپور به دشت زیبا و سرسبز بیشاپور (یا دشت کازرون) و در دامنه ارتفاعات معروف به کوهمره به گونه ای صورت گرفته است که در دو جهت، کوه و رودخانه، حصار و مانع طبیعی در برابر حمله به شهر ایجاد می نمایند. بر خلاف شهر اردشیر خوره (فیروزآباد) که کاملا در میان دشت فراخ واقع شده و قلعه دختر با فاصله ای نسبتا طولانی از آن حمایت می نموده بیشاپور، کاملا در دامنه کوه و در ابتدای دشت و با فاصله حداقل نسبت به دو عامل دفاعی قلعه دختر و قلعه اردشیر در کوه های دو طرف دهانه تنگ چوگان قرار می گیرد. برای شناخت بیشتر موقعیت طبیعی بیشاپور به اختصار کوه بیشاپور و رودخانه آن معرفی شوند.

کوه شاپور: این کوه پشته سنگی پهناور، طویل و بلندی است که در مشرق شهر شاپور جای دارد و از دامنه های پر برکت غربی آن چشمه های پرآبی همچون چشمه چنارشاهی جان، سرآب اردشیر چشمه ساسان بیرون می جهد. سنگ بناهای شهر بیشاپور از لایه های سنگ های مستحکم کوه شاپور استخراج شده است و در نمای سنگ های تراش شده مکعب شکل بنای معبد و دیگر بناهای شهر، آثار سنگواره های حیوانی و گیاهی مشابه یافت می شود.

علاوه بر وجود آثار بر دامنه و بلندی های کوه شاپور که نشان از تقدس این کوه دارد، چهار صحنه از نقش برجسته های ارزشمند دوره ساسانی در دهانه غربی تنگ چوگان بر سینه کوه شاپور و در کناره شمالی رودخانه شاپور و دو نقش برجسته در کناره جنوبی

رودخانه از صحنه های پیروزی شاپور برجامانده است که خود نشانگر تأکید مضاعفی بر تقدس این پدیده طبیعی در دوره ساسانی است.

در کنار عللی چون تأمین امنیت و نزدیکی به جاده شاهی، قرارگیری بیشاپور در بلندی مسلط بر دشت را می توان نوعی الگو برداری از نحوه ساخت شهرهای هخامنشی چون شوش و تخت جمشید دانست که بر بلندای دامنه کوه، بعنوان مکان مقدس و برتر بنا شده بودند. این نظر با راهبرد احیای سنت های هخامنشی توسط شاهان ساسانی هماهنگی دارد.

رودخانه شاپور: این رودخانه از درون تنگ چوگان در مشرق بیشاپور به سمت غربی شهر جریان دارد و دره عمیق بستر آن به موازات محدوده اراضی شمالی شهر است. در فصل بارندگی شدت جریان آب بسیار زیاد است و گاه طغیان رودخانه را به دنبال دارد. چنین به نظر می رسد که همواره محور راه و جای عبور از رودخانه به ویژه در فصل بارندگی دور از تنگ چوگان و دور از مجرای خروجی رودخانه از کوهستان بوده است.

### سازمان فضایی شهر بیشاپور

مفهوم سازمان فضایی در این نوشتار به اجمال "نظم میان نقش عناصری است که شهر را به عنوان یک سیستم معرفی می کند." در این مفهوم موجز، واژه هایی اصلی واجد تعاریف ذیل است:

"سیستم" بعنوان، مجموعه ای از اجزای نیمه مستقل است که عناصر آن در نظمی هدفمند مجموعه را به کل وحدت دار تبدیل می کنند. "نظم شهری"، امری ذهنی و استنباطی است که حاکی از نوع ارتباط میان عناصر آن است. "شهر" کل وحدت داری است که هر یک از اجزای آن با نقش معین به تحقق هدف مجموعه خدمت می کند و "نقش" ماموریت و وظیفه ای است که هر جزء سیستم برای تحقق هدف کلی مجموعه بر عهده گرفته است [منصوری، ۱۳۸۶].

برای تشخیص نظم حاکم بر اجزای شهر یا سازمان فضایی آن، عناصری به عنوان شاخص های سازمان فضایی شناسایی شده و ارتباط آن ها مورد بررسی قرار می گیرد. نظم ادراک شده میان اجزای مذکور که امری مجرد و ذهنی است، معرف سازمان فضایی شهر خواهد بود. قلمرو، کل های کوچک، ساختار و هسته یا مرکزیت، چهار عنصر شاخص سازمان فضایی شهر شمرده می شوند که تشخیص آنها فراتر از ویژگیهای شکلی است<sup>۲</sup>. در جهت معرفی سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور شاخص های چهارگانه فوق به ترتیب بررسی می گردند:

### قلمرو؛ حصار و باروی شهر

تشخیص و درک محدوده ای از فضا، که گروهی از انسانهای ساکن در شهر خود را متعلق به آن بدانند، شرط مهم تحقق مفهوم کل از شهر است. در این صورت لبه ای مکانی تعیین می شود که فضای داخل آن معنایی خاص داشته و از محیط پیرامون جدا می گردد. کاربری های خاص، ایمنی و امنیت، مقدس و نا مقدس، برتر و فروتر و صفات دیگر می توانند محدوده هایی ویژه خود بیافرینند که استفاده کنندگان از فضا، قلمروهای مرتبط با مفاهیم پیش گفته را ادراک کنند. تبلور قلمرو، لبه ای است که بخشی از فضا را محدود می کند.

در تعریف قلمرو یک شهر معمولاً از عناصر طبیعی و کالبدی یا هر دو بهره گرفته می شود. در بیشاپور این قلمرو بصورت ترکیبی از عناصر کالبدی (انسان ساز) و عناصر طبیعی تعریف گشته است. بطوریکه ذکر شد رود شاپور در شمال و شمال غربی شهر و کوه شاپور عناصر طبیعی تعریف کننده قلمرو شهر هستند. البته کوه شاپور بعنوان عنصر نشانه ای تحدید کننده قلمرو شهر نیز می توان فرض کرد. علاوه بر این دو عامل اصلی تعریف قلمرو بیشاپور حصار و باروی سنگی بوده است:

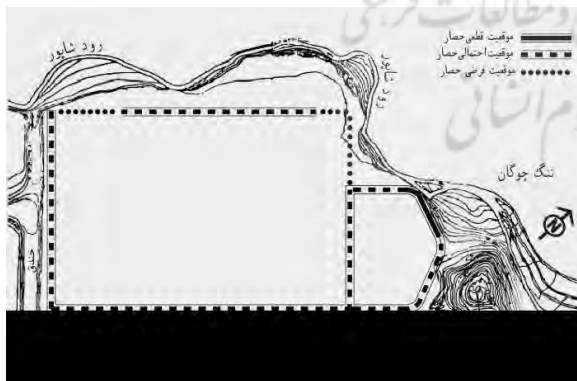
«در کاوش های باستان شناسی بیش از ۲۷۰ متر از حصار شهر در جبهه شمالی نمایان و مرمت شده است، این حصار در حاشیه رودخانه در این بخش شهر بنا به مقتضیات مسیر جریان آب دارای انحنا است ولی آثار و بقایای این دیوار حفاظتی که تمامی

پیرامون شهر را محصور می نموده است، حتی ادامه این حصار در دامنه ارتفاعات معروف به قلعه دختر که بصورت یک دژ و قلعه نظامی و تدافعی مشرف به این شهر تدارک دیده شده کاملاً نمایان است. این حصار فقط محدوده و حریم ارگ حکومتی را حفاظت نمی کرده است و ادامه آن در پیرامون شهر و در حاشیه رودخانه و خندق حفاظتی شرق و غرب و حتی در دامنه کوه قلعه دختر ادامه داشته و بقایای آن بویژه در حاشیه پل جبری (گبری) - تنها پلی که بر روی رودخانه شاپور و در امتداد خیابان شمالی - جنوبی شهر زده شده است - کاملاً دیده می شود. این دیوار قطور حفاظتی که بیش از ۹ متر ضخامت دارد نه تنها در ایجاد امنیت شهری نقش اساسی داشته است بلکه به صورت سنگری مطمئن مورد استفاده قرار می گرفت و بر روی آن نگاهبان ها مرتب در حال دیده بانی و نگهبانی بوده اند» [سرفراز، ۱۳۶۶ : ۴۴].



تصویر ۲. حصار سنگی ارگ حکومتی و برجهای آن  
مأخذ: دکتر سرفراز

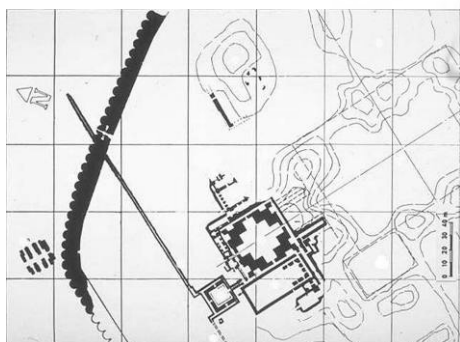
در جانب جنوب غربی و جنوب شرقی و در پشت حصار قلمرو شهر بوسیله حفر خندق تقویت شده است. امروزه اثر این خندق بصورت گودی ممتدی در راستای موازی حصار، برجای مانده است که راستای آن در حوزه شرقی به بالای بستر قلعه دختر می رسد و در حوزه غربی با چرخشی به اندازه یک زاویه قائمه، تمامی حوزه غربی شهر را از جنوب به شمال طی کرده و به رودخانه شاپور می رسد. با این ترتیب بستر مستطیل شکل شهر از سه سمت جنوب، غرب و شمال پشت به خندق و رودخانه دارد و بخش شرقی آن را استحکامات قلعه دختر پشتیبانی می کرده است. (نقشه شماره ۱)



نقشه ۱. عناصر کالبدی و طبیعی تعریف کننده قلمرو شهر ساسانی بیشاپور  
مأخذ: نگارندگان

### کل های کوچک؛ ارگ حکومتی و نواحی سکونتی

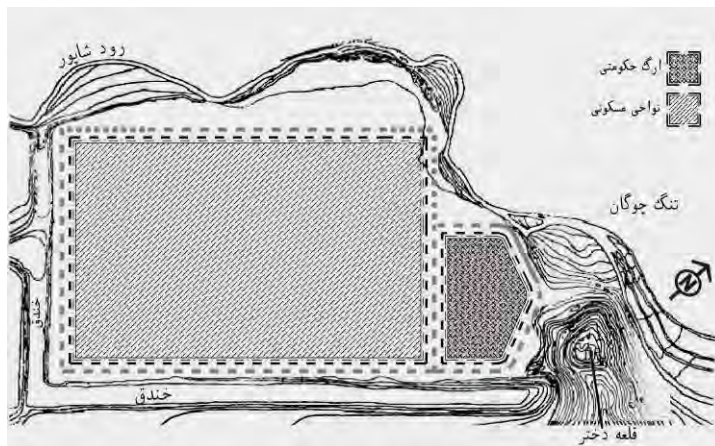
کل های کوچک در سازمان فضایی شهر واحدهای مستقلی هستند که بر حسب ماموریت و نقش خود به صورت های مختلف از یکدیگر و بافت شهر متمایز می شوند. کل کوچک، جزء مستقلی از سیستم بزرگ شهر است که به عنوان عنصر واحد در درون خود از مختصاتی برخوردار است که می تواند به عنوان سیستمی نیمه مستقل عمل کند. ماهیت سیستم شهر به گونه ای است که اجزای نیمه مستقل لازم است در مقیاس عملکردهای فردی و اجتماعی به عنوان سیستم های کوچکتر به حساب آیند. محله، به مثابه قلمرویی نیمه مستقل و وابسته به سکونت به عنوان یک زیر سیستم مستقل عمل می کند. مجموعه های عملکردی شهر مرکب از عناصری با کارکردهای مختلف و وابسته به یکدیگر نمونه دیگری از کل کوچک درون سیستم شهر است. با توجه به بقایای کالبدی دو کل مستقل در بیشاپور قابل تشخیص است. یکی مجموعه ارگ حکومتی که در شمال شرقی شهر و در بلندی دامنه کوه شاپور قرار گرفته و بوسیله حصار از قسمت اصلی شهر تفکیک شده است و دیگری نواحی سکونتی شهر که به فرم مستطیل در غرب ارگ حکومتی و در امتداد شیب بستر شهر واقع گردیده است. «عملیات خاکبرداری و کاوش های باستان شناسی در منطقه شمالی نشانگر آنست که این بخش از شهر در زمان ساسانی فضائی باز و خلوت با جدول بندی و خیابان کشی های مفروش سنگی و باغچه بندی در حوزه امکانات رفاهی کاخ نشینان بوده است. و مؤید این است که تراکم شهر بیشاپور یکسان نبوده و بخش عظیمی از تاسیسات و ادارات دولتی و منازل مسکونی و قوای انتظامی و کارگاه های وابسته در جبهه جنوبی واقع شده اند. بدین ترتیب به نظر می رسد که هسته مرکزی و قانون اصلی شهر و مقر درباریان منحصراً در جبهه شمالی شهر یا به اصطلاح ارگ و کهنه در آن قسمت شهر قرار داشته است» [سرفراز، ۱۳۶۶ : ۴۷]. این ارگ که عناصر حکومتی و مذهبی شهر نظیر کاخ والرین و معبد آناهیتا (الهه آب) را در بر می گرفته، (تصویر شماره ۲) در واقع مکان برتر و مقدس شهر بوده که سکونت، ورود و اقامت در آن منحصر به شاه و خانواده سلطنتی او بوده است و به همین واسطه یعنی دلیلی فراتر از ضرورت رعایت اصول امنیتی و حفاظت در برابر ساکنان شهر یا دشمنان بیرونی از قسمت اصلی شهر جدا شده است. (نقشه شماره ۲) «خیابان شمالی- جنوبی شهر که از حاشیه این قصور اختصاصی و کاخ های پذیرایی و ایوان های مزین به موزائیک می گذشته بطور غیر مستقیم راه ارتباطی اکراپل را با سایر مناطق مسکونی و سیاسی و اداری مربوط می سازد. محل سکونت افراد در آن زمان بر حسب ارزش ها و طبقات اجتماعی که بیشتر شامل حال شاه و بستگانش می شد در این شهر انتخاب می گردید و جامعه مردم در اطراف پایتخت به صورت پراکنده در خیمه ها یا بناهای محقر کاه گلی سکونت داشته اند تا با حاصل دسترنج خود آرامش و رفاه قصر نشینان را تامین کنند زیرا قوانین و ضابطه های زمان ساسانی به هیچ وجه اجازه نمی داد که کوخ نشینان از طبقه خود تجاوز نموده و در سلک کاخ نشینان درآیند. به همین جهت شکل و کاربرد فضاهای معماری بیشاپور نشانه ای از فضای ثبت شده و حفظ نظام امپراطوری ساسانی است که با کمال دقت و بر طبق نقشه طراحی و تنظیم شده است و روشنگر زمینه فکری آن جامعه است» [سرفراز، ۱۳۶۶ : ۴۷].



تصویر ۲. کاخ شاهی، معبد آناهیتا و حصار مربوط به ارگ حکومتی

مأخذ: سرفراز، ۱۳۶۶ : ۴۷





نقشه ۲. کل های کوچک تعریف شده در سازمان فضایی بیشاپور  
مأخذ: نگارندگان

### ساختار شهر؛ خیابانهای اصلی و فرعی

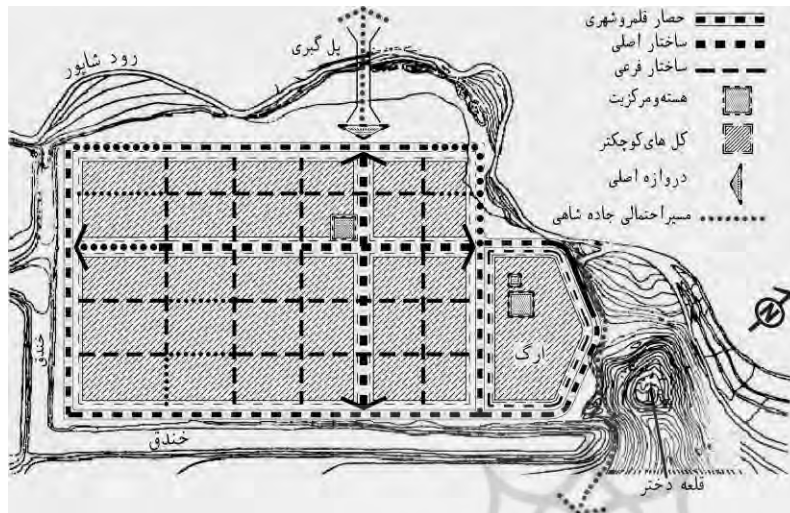
ساختار عامل پیوند دهنده کل های کوچک (عناصر نیمه مستقل) شهر به یکدیگر است. مرکزیت و ورودیهای اصلی شهر متصل به ساختار هستند. ساختار ممکن است دارای اندامهای اصلی و فرعی باشد که از طریق آنها کلیت سیستم را در پیوند با یکدیگر قرار می دهد. عنصر شاخص ساختار در اغلب حالات، معبر است.

ساختار اصلی بیشاپور را دو خیابان مستقیم متقاطع تشکیل می دهند و سایر عناصر فرعی ساختار خیابان های متقاطع موازی با این دو است که از روی ته رنگ باقیمانده از آوار و مخروبه آثار تاریخی قابل تشخیص اند. خیابان اصلی شمالی جنوبی در امتداد جاده شاهی تعریف شده و دروازه اصلی شهر را به مرکز شهر مرتبط می کند و تا حصار جنوبی ادامه می یابد. دیگر عنصر ساختاری اصلی شهر عمود بر این خیابان ناحیه سکونت شهر به مرکز آن را به ارگ حکومتی مرتبط می کند و در واقع نقش آن ارتباط بین دو کل نیمه مستقل زیر مجموعه شهر است. عناصر فرعی ساختاری شهر خیابان هایی موازی با ساختار اصلی شهر هستند که نظم شطرنجی قسمت های مختلف آنرا تعریف میکنند. (نقشه شماره ۳) نکته جالب اینجاست که این ساختارهای فرعی شهر نسبت به هیچکدام از عناصر ساختاری اصلی متقارن نیستند.

در بیشاپور با ایجاد خیابان های متقاطع عمودی و افقی، احداث کوچه ها و محله ها با زوایای قائم، توسعه گردشگاه ها و فضای سبز درون شهر و تنظیم فضای داخلی شهر به گونه ای انجام گرفته که در قسمت های مختلف آن، خانه بزرگان و اشراف در میان باغ و باغچه و در فضای سبز و مشجر قرار گیرند. شبکه بندی خیابان ها و کوچه ها و بدقت محلات را بر اساس طرح مستطیل شکل شهر و محور آن تنظیم و تقسیم نموده و نقش هر یک را در رفع نیازهای زندگی روزانه مشخص میکنند، زیرا این نحوه تقسیم بندی موجب تسهیلات اداره شهر می شود [سرفراز، ۱۳۶۶ : ۴۰].

با توجه به نقش مهم دروازه ها در شکل گیری عناصر ساختاری شهر این توضیح لازم است که دروازه اصلی شهر در ضلع شمال شرقی شهر قرار دارد که بوسیله پلی از رودخانه شاپور عبور کرده و به امتداد جاده تاریخی شاهی مرتبط می شده است و وجود دروازه دیگر در ۳ ضلع دیگر شهر و در امتداد ساختار اصلی شهر نیازمند انجام کاوش های محلی است. محمد مهریار در کاوش های باستان شناسی برای شناسایی وضعیت بیشاپور در دوران اسلامی در اواخر دهه هفتاد شمسی صورت داده است، وجود دروازه ای در

ضلع شمال شرقی و در امتداد خیابان اصلی شرقی غربی شهر را که ارتباط شهر با تنگ چوگان و امتداد جنوبی جاده شاهی برقرار می نموده محتمل دانسته است [مهریار، ۱۳۷۸ : ۴۰].



نقشه ۳. سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور  
مأخذ : نگارندگان

### مرکز؛ بنای یادبود شاپور

مرکزیت یا هسته، نقطه آغاز شهر است که شهر، تدریجاً و طی فرآیندهای تعاملی با مولفه های مختلف در اطراف آن شکل می گیرد. نقش هسته شهر طوری است که وابستگی عناصر مختلف شهر به آن به راحتی قابل تشخیص است. هسته، در ابتدا علاوه بر حافظه تاریخی شهر، محل تجمع فعالیتهای عمومی است. بخشی از این نقش در دوره های بعد دگرگون می شود.

با توجه به مفهومی که از شهر ایران باستان بعنوان پدیده ای مقدس و شاهانه در مقدمه مقاله ذکر شد، باید کاخ شاهی یا معبد اصلی شهر در سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور نقش مرکز هسته اصلی را بعهده گیرند و در مرکز هندسی - جغرافیایی شهر و روی عناصر ساختاری آن قرار گیرند. اما آنطور که در سازمان فضایی شهر بیشاپور دیده می شود ارگ حکومتی در برگرفته کاخ و معبد آنهایتا در حاشیه شمال شرقی شهر و کاملاً جدا از ناحیه سکونتی آن بصورت یک کل مستقل نقش ایفا می کند. برخلاف شهر فیروزآباد که تخت نشین و منار در مرکز دایره شهر واقع شده، در مرکز هندسی و محل تقاطع ساختارهای اصلی بیشاپور تنها عنصر شهری که در کاوش ها نمودار شده بنای یادبود شاپور اول است.

«وضع موجود بنا نمایشگر آن است که دارای اهمیت تشریفاتی بوده و بصورت یک بنای یادبود در مرکز شهر و محل ورودی و در حاشیه خیابان شرقی و غربی بیشاپور ساخته و پرداخته شده است. در اینجا بر روی یک صدفه سنگی دو ستون به ارتفاع ۹ متر که دارای سر ستون های گلدانی شکل (نوع کرتی) می باشد، نصب شده است. وضعیت این مکان نشان می دهد که جایگاه تشریفات و خوش آمد گویی و ارائه گزارش در بدو ورود به شهر بوده است. نه جایگاه نذورات» [سرفراز، ۱۳۸۱ : ۲۶۱].



تصویر ۳. بنای یادبود شاپور اول در مرکز شهر  
مأخذ: سرفراز، ۱۳۸۱: ۲۶۲

### جمع بندی

شکل گیری و پیدایش شهر بیشاپور که با انگیزه ایجاد نمادی از عظمت و شکوه و فره ایزدی شاپور و به منظور رقابت با انطاکیه شهر با شکوه و پررونق روم شرقی، ساخته شده بر مفهوم شهر در ایران باستان به مثابه امری مقدس و شاهانه که ایجاد آن در انحصار شاه و به دستور و سلیقه او بوده است، مهر تأیید می زند.

میتوان گفت احیای فرهنگ و مذهب دوره هخامنشی که بعنوان راهبردی سیاسی مذهبی مد نظر شاهان ساسانی بوده در شکل گیری بیشاپور به صورتی متجلی شده است: قرارگیری شهر در دامنه کوه مقدس و تسلط آن بر دشت، استفاده از نظام شهری شطرنجی (هیپودام) به تقلید از شهرهای هخامنشی شوش و پارسه، ساخت معبد آناهیتا بعنوان نمادی از دین مزدیسناي هخامنشی در کنار کاخ شاهی.

در مقایسه با فیروزآباد (اولین پایتخت ساسانی) در بیشاپور با کنار گذاشته شدن سازمان فضایی شهر پارتی (شهری مدور با تقسیمات شعاعی حول مرکز) و استفاده از الگوی شهری شطرنجی، نقطه عطفی در سیر شکل گیری شهر ایران باستان ایجاد شده است.

سازمان فضایی شهر بیشاپور ساسانی فاقد مرکز و هسته قدرتمند و شاخص بوده است. دلیل عمده این امر را میتوان بیرون رفتن فعالیت های اصلی و قوام دهنده شهر باستانی یعنی معبد و کاخ شاهی از شهر و استقرار آنها بعنوان کل کوچک درحاشیه بیرونی شهر دانست. این شیوه شکل گیری (در اثر ایجاد سلسله مراتب اجتماعی) شهری با سازمان فضایی دو قطبی پدید آورده که قطب قوی آن ارگ حکومتی و قطب ضعیف آن نواحی سکونتی اشراف و طبقات برگزیده بوده است.

## پی نوشت

۱. دکتر جهان‌شاه پاکزاد در مقاله ای با عنوان " تأملی بر مفهوم شهر در ایران " با تکیه بر زندگی کوچ روی و چادر نشینی در سابقه سکونتی ایران مفهوم شهر ایران باستان را به محدوده و قلمرو حکومتی تقلیل داده اند و با ذکر نام شهرهای مختلف باستانی ایران- از جمله شهر بیشاپور- فرضیات موجود را خطا و نادرست دانسته اند. اگرچه طرح پرسش و تردید در مورد مفاهیم اساسی مانند شهر لازمه تحقیق و جستجوی علمی حقایق و واقعیت هاست، اما این نکته را باید متذکر شد که به هنگام قضاوت در مورد آثار باستانی و تاریخی، آنچه معیار سنجش و نقد عیار فرضیات است استناد آنها به واقعیت ها و یافته های باستان شناسی و تاریخی به جای حدسیات و روایات عامیانه است. در نوشتار حاضر ساخت شهر ساسانی بیشاپور تماما بر اساس نتایج کاوش های باستان شناسی انجام شده مورد بررسی قرار گرفته و مفهوم مورد اشاره از شهر بعنوان یک قلمرو سیاسی صرف نفی شده است.

۲. برای توضیحات بیشتر به مقاله " دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی : قبل و بعد از اسلام " نوشته دکتر سید امیر منصوری در مجله باغ نظر شماره ۷ مراجعه شود.

## منابع

- براتی، ناصر. ۱۳۸۲. مقاله "نگاهی نو به مفهوم شهر از نظر گاه زبان و ادب فرهنگ فارسی"، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۳.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۴. "تأملی بر مفهوم شهر در ایران"، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، شماره ۶. دفتر پژوهش های فرهنگی.
- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی. بهمن. ۱۳۸۱. ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی. انتشارات عفاف. تهران .
- سرفراز، علی اکبر. ۱۳۶۶. مقاله "بیشاپور". نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران. به کوشش یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، تهران.
- مهریار، محمد. ۱۳۷۸. "سیمای شهر بیشاپور در دوران اسلامی" در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و معماری ایران، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی.
- منصوری، سید امیر. ۱۳۸۶. مقاله " دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی : قبل و بعد از اسلام"، مجله باغ نظر، شماره ۷.
- منصوری، سید امیر و دیگران. ۱۳۸۲. طرح پژوهشی "سازمان فضایی شهر" مرکز تحقیقات نظر. تهران.